

THE JOURNAL OF Linguistic and Rhetorical studies

Volume 15, Consecutive Number 33, autumn 2023

Issn:2717-090x

Journal Homepage: <https://rhetorical.semnan.ac.ir/?lang=en>

This is an Open Access paper licensed under the Creative Commons License CC-BY 4.0 license.



Linguistic and rhetorical analysis of Abdul Hossein Zarrinkoob's writing style in the "notes" of his works

Azarbayjani.Elaheh¹-Madani.Amir Hosein^{2*}

1: Master's student of Persian language and literature of Kashan University.

2: Associate Professor of Persian Language and Literature, Kashan University: Correspondence author (m.madani@kashanu.ac.ir)

Abdul Hossein Zarrīnkūb is a prominent Iranian researcher and writer whose extensive research in various fields and his tremendous power in writing and research have made him one of the remarkable contemporary researchers. One of the research methods that Zarrīnkūb uses in most of his works is "note writing," a method which has enabled the author to provide further explanations about the main text as well as presenting extra information about documentations and sources. In this manner, Zarrīnkūb has owned specific style in most of his works to the extent that a significant part of the final pages of his works is dedicated to "notes." The notes are closely related to the original text, and the investigation of their rhetorical-linguistic features makes it clear that they have given a special structure and coherence to Zarrīnkūb's works due to the author's unique linguistic and rhetorical explanatory style in writing marginal information, documentations and references. This feature has made the contents of his main texts more methodical and orderly, which has become one of the components of Zarrīnkūb's personal style and research methods. This descriptive-analytical study has aimed to examine linguistic and rhetorical features of his note writing style so as to shed light on minute details that represent the writer's thought and language style in his "notes."

Keywords: Abdul Hossein Zarrinkoob, works, notes, linguistic and rhetorical features, literary criticism.

- E. Azarbayjani; A. Madani (2023). Linguistic and rhetorical analysis of Abdul Hossein Zarrinkoob's writing style in the "notes" of his works, *THE JOURNAL OF Linguistic and Rhetorical studies* 15(33), 7-32.

[Doi: 10.22075/jlrs.2022.28683.2185](https://doi.org/10.22075/jlrs.2022.28683.2185)



مجله علمی مطالعات زبانی و بلاغی

سال ۱۴ - شماره ۳۳ - پاییز ۱۴۰۲

صفحات ۷-۳۲ (مقاله پژوهشی)

تاریخ: وصول ۱۴۰۱/۰۷/۲۰ - بازنگری ۱۴۰۱/۱۲/۰۴ - پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۴

تحلیل زبانی و بلاغی سبک نگارش عبدالحسین زرین کوب در یادداشت‌های آثارش

الهه آذربایجانی^۱ / امیرحسین مدنی^۲

۱: دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

۲: دانشیار زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. (نویسنده مسئول)

m.madani@kashanu.ac.ir

چکیده: عبدالحسین زرین کوب، محقق و نویسنده بزرگ ایرانی است که تحقیقات گسترده‌ای در حوزه‌های گوناگون و قدرت شگرفش در نویسندگی و پژوهش، وی را در مقام یکی از پژوهشگران برجسته معاصر قرار داده است. یکی از شگردهای پژوهشی که زرین کوب در غالب آثار خود به کار می‌برد، یادداشت‌نویسی است. شگردی که امکان تبیین توضیحاتی افزون بر مطالب متن اصلی، ارائه مستندات و ذکر منابع و مآخذ را برای نویسنده، در خارج از ساختار متن اصلی کتاب، فراهم آورده است. زرین کوب با استفاده بسیار از شیوه مزبور در غالب آثار خود، صاحب سبک شده است؛ به گونه‌ای که بخش زیادی از صفحات پایانی آثار او به یادداشت‌ها اختصاص یافته است. یادداشت‌ها ارتباط تنگاتنگی با متن اصلی دارند و بررسی خصایص بلاغی- زبانی آن‌ها روشن می‌کند که ساختارمندی و انسجام ویژه‌ای هم به آثار زرین کوب بخشیده‌اند؛ زیرا مؤلف غالباً تبیین اطلاعات حاشیه‌ای و مستندات و ارجاعات خود را با شیوه زبانی و بلاغی منحصر به فرد خود، به بخش یادداشت‌ها منتقل کرده و همین خصیصه، باعث انتظام مطالب متن اصلی آثار او شده است. این نوع یادداشت‌نویسی، از مؤلفه‌های سبک شخصی و شگردهای پژوهشی زرین کوب به حساب می‌آید. نگارندگان در این مقاله کوشیده‌اند با روش توصیفی- تحلیلی، پس از تبیین مقدماتی درباره احوال و آثار زرین کوب و معرفی اجمالی انواع یادداشت‌های آثار او، به بررسی ویژگی‌های زبانی و بلاغی، همراه با ذکر نمونه، در یادداشت‌های آثار وی پردازند تا نکته‌های باریکی را که نمودار فکر و سبک زبانی نویسنده در یادداشت‌نویسی بوده، به مخاطب ارائه کنند.

کلیدواژه: عبدالحسین زرین کوب، آثار، یادداشت‌ها، ویژگی‌های زبانی و بلاغی، نقد ادبی.

- آذربایجانی، الهه؛ مدنی، امیرحسین (۱۴۰۲). تحلیل زبانی و بلاغی سبک نگارش عبدالحسین زرین کوب در

یادداشت‌های آثارش. *مجله مطالعات زبانی و بلاغی دانشگاه سمنان*، شماره ۳۳، صفحات ۷-۳۲.

[Doi: 10.22075/jlrs.2022.28683.2185](https://doi.org/10.22075/jlrs.2022.28683.2185)

۱. مقدمه

۱-۱. بیان مسئله

«یادداشت‌ها» یکی از بخش‌های ظاهراً فرعی، اما مهم در آثار زرین کوب است که غالباً در صفحات پایانی کتاب‌ها و مقالات وی ارائه شده است. وی در این بخش از تعلیقات، معمولاً به تبیین مراجع و مآخذ مورداستفاده خود در نگارش متن اصلی و ذکر توضیحات و مستندات مرتبط با متن اصلی، پرداخته است. بنا بر مطالعات انجام شده، روش زرین کوب در یادداشت‌نویسی بر کتاب‌های در قلمرو وجدان، بحر در کوزه، سرّ نی، از کوچۀ رندان، پیر گنججه در جست‌وجوی ناکجاآباد، با کاروان حله، نقد ادبی، شعر بی دروغ شعر بی نقاب، جست‌وجو در تصوّف ایران، دنباله جست‌وجو در تصوّف ایران، نقش بر آب، فرار از مدرسه، ارسطو و فنّ شعر و دو قرن سکوت، توضیحی، استنادی، استشهادی و گزارشی و در کتاب‌های تاریخ در ترازو، پله پله تا ملاقات خدا، نردبان شکسته، دیدار با کعبه جان، سیری در شعر فارسی، ارزش میراث صوفیه، تصوّف ایرانی در منظر تاریخی آن، با کاروان اندیشه، دفتر آیام، از چیزهای دیگر، حکایت همچنان باقی، یادداشت‌ها و اندیشه‌ها، نه شرقی نه غربی انسانی و کارنامه اسلام، ارجاعی و غالباً مختصّ تبیین مآخذ و مراجع بوده است. زرین کوب در یادداشت‌های آثار دسته اول، غالباً به ارائه استشهادات و توضیحات بیشتر یا مکمل متن اصلی پرداخته است؛ اما در یادداشت‌های آثار دسته دوم که غالب آن‌ها شامل کتاب‌های حاوی مقالات اوست، به ذکر منابع و مراجع مورداستفاده خود در پژوهش پرداخته یا مخاطب را به مراجع گوناگون زبانی درباره موضوعات مذکور در متن اصلی ارجاع داده است.

موقّیت یادداشت‌های زرین کوب در آثار دسته اول، مرهون توضیحات و استشهاداتی است که به متن اصلی آثار او، خاصیت اقتاعی بخشیده است. وی در آثار دسته اول، با ارائه توضیحات و مستندات، بر لطف و سودمندی یادداشت‌های خود افزوده است. همچنین اغلب یادداشت‌های توضیحی در آثار دسته اول، توأم با تفصیل است. مؤلف در این توضیحات، علاوه بر ارائه نظریات و احتمالات خویش، گاه با ذکر نام

گوینده، از اقوال محققان ایرانی و غیرایرانی نیز برای بیان مقصود بهره برده است. یکی دیگر از خصایص یادداشت‌های آثار دسته اول، آن است که زرّین کوب در میانه مباحث اصلی یادداشت‌ها، به طرح مطالب فرعی، اما مرتبط با مبحث اصلی پرداخته است. این شیوه نیز موجب شده یادداشت‌های آثار دسته اول، مشحون از اطلاعات گوناگون باشد. با این حال، گاه یادداشت‌های توضیحی آثار دسته اول، از لطف اختصار و ایجاز هم برخوردار است. در آثار دسته دوم نیز غالب یادداشت‌ها از نوع ارجاعی است. زرّین کوب در یادداشت‌های این آثار، غالباً تنها به ذکر مآخذ و مراجع خود پرداخته یا مخاطب را به منابع گوناگون درباره مطالب مذکور در متن اصلی، ارجاع داده و در مواردی، به اقتضای کلام و به‌عنوان تکمله‌ای برای مطالب متن اصلی، توضیحات و مستندات نیز ارائه کرده است. موفقیت زرّین کوب در یادداشت‌های آثار دسته دوم، بیشتر مرهون تسلط وی بر زبان عربی و زبان‌های خارجی برای استفاده از منابع به زبان‌های دیگر و کتاب‌شناسی اوست. همچنین این روش دقیق و درست زرّین کوب است که در هر پژوهشی، مآخذ خود را با دقت و احتیاطی وسواس‌آمیز معرفی کند؛ در نتیجه، یادداشت‌های آثار دسته اول، غالباً توضیحی و تفصیلی و سرشار از نکات و لطایف و تحلیل‌های برهانی است و نثر آن، رویکردی اقناعی و استدلالی پیدا کرده است؛ اما یادداشت‌های آثار دسته دوم، غالباً ارجاعی است و برای تکمله معنا، توضیحات یا مستندات هم ارائه شده است.

نگارندگان در این پژوهش کوشیده‌اند، برای نخستین بار، به بررسی ویژگی‌های زبانی و بلاغی یادداشت‌های زرّین کوب در کتاب‌ها و مقالات وی بپردازند و با بیان ویژگی‌های زبانی - بلاغی یادداشت‌ها، سبک شخصی زرّین کوب را در یادداشت - نویسی، به خوانندگان معرفی کنند.

۲-۱. پیشینه پژوهش

در عصر حاضر، پژوهش‌های گوناگونی درباره متن اصلی آثار زرّین کوب و بررسی جوانب آن از نظر گاه‌های متنوع انجام شده است؛ اما توجهی به تعلیقات یا به تعبیر

دقیق‌تر، یادداشت‌های آثار وی و بررسی سبک نگارش و ویژگی‌های زبانی و بلاغی آن نشده است. بنا بر شواهد، پژوهش حاضر، پیشینه‌ای مرتبط با سبک و دستاورد خود ندارد؛ اما برخی پژوهش‌هایی که درباره آثار زرین کوب، با دارا بودن خط‌مشی متمایز با تحقیق حاضر تألیف شده، از این قرار است: رضایی (۱۳۸۴) در پایان‌نامه‌اش با عنوان «بررسی و تحلیل آثار ادبی دکتر عبدالحسین زرین کوب»، به تقسیم‌بندی موضوعی آثار، تحلیل آثار ادبی و بررسی کتاب‌هایی که شامل آفرینش‌های ادبی زرین کوب بوده، پرداخته است. راز (۱۳۸۷) در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی و تحلیل آثار ادبی دکتر عبدالحسین زرین کوب از جهت روش تحقیق»، به بررسی عوامل و زمینه‌های گرایش وی به تحقیقات ادبی، روش‌ها و متون تحقیقاتی و شیوه‌های عرضه تحقیقات ادبی پرداخته است. هاشمی‌پور (۱۳۹۵) نیز در پایان‌نامه‌اش با عنوان «بررسی و تحلیل آثار عرفانی دکتر عبدالحسین زرین کوب»، صرفاً به بررسی متن اصلی آثار وی در حوزه عرفان و تصوف پرداخته است. همچنین پارس‌نژاد در کتاب *زرین کوب و نقد ادبی*، به بررسی تحلیلی دیدگاه‌های زرین کوب در حوزه نقد ادبی پرداخته و شعبانی در کتاب *جهانی در خلوت تنهایی*، آرا و نظریه‌های ادبی زرین کوب را با استناد به آثار وی معرفی کرده است. شعبانی در اثر دیگر خود، *زرین کوب و ادب فارسی*، با استناد به کتاب *با کاروان حله*، به بررسی بوطیقای نثر زرین کوب پرداخته است. وی همچنین با استناد به متن اصلی آثار زرین کوب، ویژگی‌های نثر او را معرفی کرده است؛ بنابراین، در این اثر نیز بررسی زبانی و بلاغی نثر نویسنده، تنها با استناد به متن اصلی آثار او بوده و توجهی به یادداشت‌های آثارش نشده است. افشاری در *نقد زرین*، به بررسی مقالات زرین کوب درباره شعر و شاعران از وجوه مختلف زبان و شیوه بیان، روش تحقیق و ساختار و محتوا پرداخته است.

نگارندگان در این مقاله کوشیده‌اند بعد از ذکر کلیاتی درباره زرین کوب و آثار او، بخش یادداشت‌های آثار وی و ویژگی‌های زبانی-بلاغی نگارش آن‌ها را برای نخستین بار معرفی کنند و روشن سازند که زرین کوب، بخش یادداشت‌های آثار خود

را جدی گرفته و خصایص زبانی و بلاغی و پسندها و معیارهای مطلوبی را که برای نگارش متن اصلی به آن‌ها اعتقاد داشته، برای یادداشت‌ها و اطلاعات مندرج در بخش حواشی آثار خود نیز به کار برده است.

۱-۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

دلیل اصلی بررسی و پژوهش درباره بخش تعلیقات (= یادداشت‌ها) در آثار عبدالحسین زرّین کوب چیست؟ توجه غالب پژوهشگران در خلال بررسی و تحلیل زبانی یا محتوایی کتاب‌های علمی-ادبی، صرفاً به متن اصلی آثار معطوف می‌شود و در میان غالب افراد اهل مطالعه نیز این نگرش وجود دارد که آنچه در بخش حواشی کتاب‌ها، اعم از پانویس‌ها یا تعلیقات عرضه می‌شود، حائز نکته خاصی نبوده و مراجعه نکردن به حواشی، سبب نقصان در فهم مخاطب نمی‌شود؛ زیرا گمان می‌کنند هر آنچه مطلوب و مقصود نویسنده بوده، در بافت کلام او جای گرفته است. پژوهش پیش‌رو به لحاظ بررسی و تحلیل شیوه زبانی-بلاغی قسمتی ظاهراً فرعی، اما مهم در آثار زرّین کوب، درصدد اکتشاف و نویابی در حیطه نقد ادبی برآمده است تا با بررسی خصایص زبانی-بلاغی یادداشت‌های آثار وی نشان دهد حساب یادداشت‌ها و حواشی آثارش از بسیاری آثار دیگر جداست؛ زیرا در یادداشت‌های او مطالبی بیان می‌شود که نادیده گرفتن و بی‌اهمیت شمردن آن، از فواید مطالعه خواهد کاست؛ به عبارت دیگر، پژوهش پیش‌رو درصدد است با معرفی ویژگی‌های زبانی و بلاغی یادداشت‌های زرّین کوب، خوانندگان را به ارزش و اعتبار بخش ظاهراً فرعی، اما سودمند «یادداشت‌ها» و سبک شخصی نویسنده در زمینه یادداشت‌نویسی آگاه کند.

۲. بحث

۲-۱. زندگی و احوال

عبدالحسین زرّین کوب، ادیب و محقق معاصر، در ۲۷ اسفند ۱۳۰۱ در بروجرد زاده شد. وی تحصیلات ابتدایی خود را در بروجرد به پایان رساند و در سال‌های بعد و در گرما گرم تحصیل در دوره متوسطه، به تشویق و اصرار پدر که مردی دین‌دار بود، اوقات

خود را صرف فراگیری علوم دینی و حوزوی کرد. سپس در تهران برای ادامه تحصیل خود، رشته ادبی را برگزید و در سال ۱۳۱۹ تحصیلات دبیرستانی خود را به پایان برد. زرین کوب در آذرماه ۱۳۲۰ در امتحان ورودی دانشکده حقوق شرکت کرد و با آنکه پس از کسب رتبه اول در دانشکده ثبت نام کرده بود، به الزام پدر، ناگزیر به ترک تهران شد و به زادگاه خود بازگشت و در خرم آباد و بعد از آن، در بروجرد به کار معلمی پرداخت. او در سال ۱۳۲۴ پس از آنکه در امتحان ورودی دانشکده علوم معقول و منقول و دانشکده ادبیات، رتبه اول را کسب کرد، وارد رشته ادبیات فارسی دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۲۷ به عنوان دانشجوی رتبه اول فارغ التحصیل گردید. سال بعد، وارد دوره دکتری رشته ادبیات دانشگاه تهران شد و پس از ازدواج با قمر آریان در سال ۱۳۳۴ از رساله دکتری خود با عنوان «نقد شعر، تاریخ و اصول آن»، به راهنمایی بدیع الزمان فروزانفر دفاع کرد. این رساله بعدها با عنوان *نقد ادبی*، انتشار یافت. زرین کوب در ۲۴ شهریور ۱۳۷۸ درگذشت.

آثار زرین کوب شامل کتاب‌هایی در حوزه نقد ادبی و تاریخ ادبیات فارسی، تاریخ ایران، تاریخ اسلام، اندیشه (تصوف، کلام، اخلاق و فلسفه)، ترجمه، آثار درسی، مجموعه مقالات و نوشته‌های ادبی، مطالبی در حوزه تاریخ‌نگاری و چند قطعه شعر است. شماری از آثار وی نیز از دست رفته یا مفقود شده و تعدادی نیز پس از درگذشت او، به‌همت همسرش به چاپ رسیده است. چنان‌که شعبانی تصریح کرده است، زرین کوب بیش از آنی که می‌نموده، بوده است. او برخلاف بسیاری کسان، بیش از آنچه می‌نوشته، می‌دانسته و این، ویژگی آثار و منش علمی زرین کوب است (شعبانی، ۱۳۹۹: ۲۳).

۲-۲. بررسی یادداشت‌ها در آثار زرین کوب

زرین کوب از آن دسته نویسندگان مبتکر و خلاق است که نوشته‌های او از لحاظ لطف بیان و قدرت تعبیر و بلاغت، چشمگیر است. وی با سعی عالمانه و دقت و ژرف‌نگری و وسواس ادیبانه خویش در امر تألیف و پژوهش، از هیچ کوششی فروگذار نکرده است. آثار او گذشته از محتوای ژرف و سودمندی که دارد، مجموعه‌ای غنی از

لغات و ترکیبات فصیح و زیباست. در این میان، یادداشت‌های زرّین کوب در پایان کتاب‌ها و مقالات نیز از ویژگی‌هایی است که موجب جامعیت و سودمندی دوچندان آثارش شده است. یادداشت‌نویسی به شیوه زرّین کوب، سبک شخصی وی محسوب می‌شود؛ زیرا نگاهی اجمالی بر آثار سایر نویسندگان، به‌خوبی نشان می‌دهد که تا امروز، نویسنده‌ای همچون زرّین کوب، با این جدّیت و اهتمام، اقدام به نگارش چنین حواشی سودمندی بر آثار خود نکرده است؛ بنابراین، پی‌نوشت‌ها یا به تعبیر زرّین کوب، یادداشت‌ها در آثار وی، جامعیتی متمایز از آثار سایر مؤلفان دارد و مطالعه یادداشت‌های او که هم از لحاظ حجم، گسترده است و هم مطالب ژرف و عمیقی را در بر می‌گیرد، نظم و حوصله می‌طلبد. زرّین کوب در بخش یادداشت‌ها نیز به‌سان متن اصلی، با جدّیتی مضاعف به نگارش می‌پردازد و بی‌منطق و بدون ادله مؤثّق داوری نمی‌کند؛ چنان‌که در یادداشت‌ها نیز گاه در باب مطالبی که نمی‌تواند حکم قطعی صادر کند، با صداقت می‌گوید که راه به جایی نمی‌برد یا حتی به احتمال و گمانه‌زنی می‌پردازد، تردید خویش را در باب موضوع ابراز می‌دارد و از اعلام رأی قطعی درباره مسائل مورد تردید پرهیز می‌کند و با انصاف و احتیاط به ارائه مطالب می‌پردازد.

چنان‌که پیش‌تر گفته شد، برخی یادداشت‌های آثار زرّین کوب بسیار گسترده است و حجم مطالب آن‌ها گاه از حدّ چند صفحه نیز درمی‌گذرد؛ برای نمونه، یادداشت شماره ۱۶ در کتاب سرنی، از صفحه ۸۲۱ آغاز می‌شود و در صفحه ۸۲۵ به پایان می‌رسد (زرّین کوب، ۱۳۹۸، ج ۲: ۸۲۱-۸۲۵). در این گونه یادداشت‌های طولانی، زرّین کوب به فراخور موضوعی که در متن اصلی کتاب، مورد بحث بوده، به ارائه توضیحاتی افزون بر متن اصلی، ارائه استنادات و شواهد از منابع معتبر و ارجاعات مختلف می‌پردازد و گاه اطلاعاتی فرعی و اضافه را در میانه موضوع اصلی، به مخاطب ارائه می‌کند؛ از این رو، می‌توان بر این باور بود که بخش یادداشت‌ها برای زرّین کوب ارزش بسیاری داشته که باعث شده است وی مطالب مهمی را در این بخش، گاه

به تفصیل و گاه به اختصار برای مخاطبان بیاورد و این بخش را فرصتی برای تبیین ملاحظات و مطالب سودمندی که در متن اصلی، مجال بیان نیافته‌اند، محسوب کند.

زرین کوب یکی از نویسندگانی است که علاوه بر اهتمام به جامعیت و اعتبار علمی آثار خود، برای انسجام متن اصلی آثار و رعایت پاکیزگی نثر، ارزش زیادی قائل بوده و همین ویژگی سبب شده است ارائه توضیحات اضافه و مستندات و ارجاعات خود را به بخش یادداشت‌ها منتقل کند؛ برای نمونه، در کتاب *از کورچه رندان*، درباره حافظ و شعر او، دیوان خواجه را بهترین و موثّق‌ترین منبع در نظر گرفته و با استناد به ابیات گوناگون حافظ، به تحلیل و بررسی شعر حافظ و اندیشه‌های او پرداخته است؛ اما برای حفظ انسجام مطالب متن اصلی و پاکیزگی نثر خود، ارائه ابیات استنادی خود را به بخش یادداشت‌ها برده است؛ چنان که شعبانی تصریح کرده: «نویسنده در جای‌جای این کتاب ارزشمند که یکی از امّهات منابع حافظ‌شناسی به شمار می‌آید، برای اثبات یا توضیح بیشتر موضوعی، به بیت یا ابیاتی از حافظ استشهد کرده و چون این ابیات و شواهد شعری در بخش پایانی کتاب، یعنی یادداشت‌ها آمده، بدین جهت، بهادر باقری می‌افزاید: «شاید این نشان‌دهنده علاقه خاطر است که نویسنده به نثر و یکدستی آن دارد و تقریباً در تمام نوشته‌هایش، حتی آنجا که قصد شرح شعر حافظ را دارد، از نوشتن اصل ابیات در خلال نثر خودداری می‌کند. جز این، علت دیگرش شاید این باشد که در یک متن یکدست تحقیقی بهتر است برای ذکر امثله به جایی جداگانه، مثلاً بخش یادداشت‌ها آن‌ها را نقل کرد و این حاکی از اخلاق علمی و نگرش آکادمیک نوشته‌های اوست» (شعبانی، ۱۳۹۹: ۵۳۸ و ۵۳۹)؛ بنابراین، در غالب موارد، یادداشت‌ها با متن اصلی آثار زرین کوب، رابطه تنگاتنگی دارند و رجوع به آن‌ها هم‌زمان با مطالعه متن اصلی، می‌تواند بر القای خاصیت اقناعی و استنادی به متن اصلی آثار بیفزاید (= یادداشت‌های استنادی) یا آنکه با ارائه توضیحاتی افزون بر متن اصلی، بر عینیت‌گرایی و تکمیل مباحث متن اصلی اضافه کند (= یادداشت‌های توضیحی) و در مواردی هم مخاطب جست‌وجوگر را با منابع و مآخذ موثّق درباره مطالب مورد بحث در متن اصلی آشنا کند

(= یادداشت‌های ارجاعی). این در حالی است که در آثار سایر نویسندگان، کمتر شاهد ویژگی‌های مزبور در بخش حواشی آثارشان هستیم و چنانچه خواننده به حواشی آثار مراجعه نکند، مطلب خاصی را از دست نداده است.

به‌طور کلی، یادداشت‌های زرّین کوب را می‌توان در ضمن چهار نوع یادداشت‌های توضیحی (توضیحات و احتمالات)، یادداشت‌های استنادی (ابیات و آیات و قصص)، یادداشت‌های ارجاعی (معرفی منابع و مآخذ) و یادداشت‌های ترکیبی (یادداشت‌هایی متشکل از موارد مزبور) دسته‌بندی کرد که هر یک از این‌ها، کارکرد و اهمّیت خاصّ خود را دارد. برای نمونه، مخاطب در یادداشت‌ها مکرّر به مواردی برمی‌خورد که مؤلف برای اقناع خواننده و درک بهتر مطالب متن اصلی، توضیحاتی افزون یا مکمل و در مواردی حتّی ناقص و ردکننده برخی دیدگاه‌ها و آرای مذکور در متن اصلی ارائه کرده است. یادداشت‌های توضیحی در آثار گوناگون نویسنده و به فراخور موضوعات کتاب، متفاوت بوده و موضوعات متنوعی را دربر گرفته است؛ اما به‌طور کلی، عمده مطالب یادداشت‌های توضیحی درباره لغات و اصطلاحات دشوار مذکور در متن اصلی، آثار و کتاب‌ها و افراد مذکور در متن، احادیث و اشعار و روایات، حوادث تاریخی، مسائل حوزه عرفان و تصوّف مذکور در متن اصلی و بررسی تطبیقی میان دیدگاه‌ها و نظریات محققان ایرانی با غیرایرانی بوده است.

یادداشت‌های استنادی نیز ابیات و عبارات فارسی و عربی و قصص و روایات متنوعی را شامل می‌شود که در مواضع سنجیده و در بافت یادداشت‌های آثار نویسنده گنجانده شده و برای شرح و استناد بیشتر مطالب ارائه شده است. مستندات مذکور در یادداشت‌های آثار زرّین کوب غالباً به مقاصد زیر ارائه شده‌اند:

- ذکر صورت کامل مستندات که متن اصلی با استناد به آن‌ها تبیین شده است.
- ذکر مستندات برای القای خاصیت اقناعی به مطالب مذکور در متن اصلی و تبیین قرابت موضوعی با آنچه در متن اصلی گفته شده است.

- ذکر مستندات برای تبیین توضیحاتی افزون بر متن اصلی درباره تعابیر و اصطلاحات مذکور در متن.

یادداشت‌های ارجاعی نیز در آثار نویسنده، مشتمل بر دو گونه است: یادداشت‌هایی که نویسنده در آن‌ها به ذکر مراجع مورداستفاده خود پرداخته و مواردی که وی در آن‌ها به مقاصد گوناگون، مخاطب را به منابع مختلف درباره مطالب مذکور در متن اصلی ارجاع داده است. منابع و مراجع مورداستفاده زرین کوب، غالباً در زمره منابع معتبر و دست‌اول پژوهشی بوده و از سوی دیگر، تسلط نویسنده بر زبان‌های دیگر سبب شده وی از منابع متنوع زبانی در پژوهش و تألیف استفاده کند. همچنین یادداشت‌های ترکیبی در آثار نویسنده، مواردی را شامل می‌شود که وی ضمن یک یادداشت طولانی، درباره موضوعی خاص یا موضوعات متفاوت، به ارائه توضیحات، استنادات و ارجاعات مختلف پرداخته باشد.

۲-۳. مؤلفه‌های زبانی - بلاغی

«معیارها و موازین فصاحت و بلاغت در اعصار مختلف، هماهنگ با رشد ادبی، فرهنگ عمومی جامعه، ذوق ادبی ادبا، بلاغیون و ناقدان، متفاوت می‌نماید. در برخی اعصار، بنا بر علوم بلاغی، متنی که از الفاظ غریب و نامأنوس به دور باشد، هماهنگی در الفاظ و معانی آن آشکار باشد، مقاصد مطلوب با قوانین آرایه‌های ادبی همراه باشد و در عین حال، متن را به پیچیدگی نیندازد، مناسب با حال مخاطب ارائه شود و به دور از عیوب فصاحت باشد، متنی فصیح و بلیغ و شایسته ماندگاری و ستایش شمرده می‌شود» (رضایی و نقی‌زاده، ۱۳۹۲: ۷۱ و ۷۲). در عصر ما، قدرت نویسندگی زرین کوب در بخش یادداشت‌ها، نمودار باریک‌اندیشی و دقت علمی محقق‌ی است که برای سهولت درک مخاطب و رعایت انسجام مطالب متن اصلی، توضیحات، مستندات و ارجاعات خود را با زبانی ساده و علمی، به بخش ظاهراً فرعی، اما مهم یادداشت‌ها محول کرده است و این خلاقیت، به درجه فصاحت و ماندگاری متون تألیفی وی افزوده است. جملات در غالب یادداشت‌های زرین کوب، به دلیل قرارگرفتن ارکان فرعی گوناگون

و عطف متوالی جمله‌ها به یکدیگر، به قطعات نسبتاً طولیلی تبدیل شده که این ویژگی نیز تا حدی می‌تواند نوعی خصیصه منحصربه‌فرد این نویسنده در امر حاشیه‌نویسی یا به عبارت بهتر، یادداشت‌نویسی بر آثار خود باشد.

در ادامه، مهم‌ترین ویژگی‌های بلاغی و زبانی در یادداشت‌های آثار زرین کوب ارائه می‌شود. همچنین به دلیل آنکه نثر نویسنده در یادداشت‌ها گزارشی و علمی بوده است، یادداشت‌ها حائز خصایص بلاغی محدودی هستند که این موارد اندک نیز در ضمن خصایص زبانی ارائه خواهد شد.

۲-۳-۱. شیوه تبیین مطالب در یادداشت‌های توضیحی

تبیین مطالب در یادداشت‌های آثار زرین کوب به گونه علمی، معیار، تحقیقی و گزارشی بوده که به دلیل استفاده فراوان نویسنده از شیوه‌ها و اصول پرورش مطالب و اقناع مخاطب، از جمله استنادات، ارجاعات، نقل قول‌ها و شواهد و استدلال‌ات، از خاصیت اقناعی و استنادی نیز برخوردار است. از دیگر ویژگی‌های یادداشت‌ها، حسن انتخاب کلمات و تعبیرات است؛ به عبارت دیگر، زبان نویسنده در یادداشت‌ها با وجود معیار و گزارشی بودن، غنی است و هر آنچه در یادداشت‌ها بیان می‌شود، به خوبی نشان‌دهنده قدرت تتبع مؤلف و حوصله و دقت او در یادداشت‌نویسی است. به کارگیری واژگان هم‌زمانی و درزمانی، علاوه بر متن اصلی آثار نویسنده، در یادداشت‌های آثار او نیز وجود دارد که به عقیده یکی از محققان معاصر، این ویژگی در قطعات نثر وی، چه در متن اصلی و چه در یادداشت‌ها، برای تثبیت در ذهن و زبان خوانندگان بوده و موجب جدّایت نثر ایشان شده است (شعبانی، ۱۴۰۰: ۴۷). به مثالی از واژه‌های درزمانی در یادداشت‌ها اشاره می‌شود:

— «در باب تاریخ تولد سعدی، البته به ضرس قاطع نمی‌توان اظهار نظر کرد؛ اما مجموع قراین و شواهد حدود سنه ۶۰۰ یا اندکی بعد را بیشتر محمّل نشان می‌دهد. قول به آنکه اشارت بیا ای که عمرت به هفتاد رفت در بوستان هم کمتر از اشارت ای که پنجاه رفت و در خوابی در گلستان، مستند تاریخ ولادت او نیست، مشاغبه است؛ چون در مورد

گلستان به تناسب قول یا حال تصریح است و در بوستان چنین نیست. این هم که شیخ، تخلص خود را از نام سعدبن ابوبکر گرفته باشد، استبعادی ندارد» (زرین کوب، ۱۳۸۹: ۴۲۱ و ۴۲۲).

ضمایر و افعال موجود در یادداشت‌ها نیز به تناسب علمی و معیاربودن متن یادداشت‌ها، به گونه رسمی سوم شخص بوده است؛ اما در برخی یادداشت‌های توضیحی، شیوه بیان نویسنده به صورت اول شخص مفرد و خودمانی است و گاه نیز برای تأثیر بیشتر کلام، افعال بر سایر اجزای جمله، تقدم یافته است که بنا بر نظر شعبانی، این طرز نگرش و جابه‌جایی ارکانی، نوع تفکر و نگرش هستی‌شناسانه نویسنده را به جهان و هستی می‌نمایاند (شعبانی، ۱۴۰۰: ۴۷). این ویژگی معمولاً در مواردی وجود دارد که نویسنده به بیان تجربه‌ای شخصی پرداخته و آن را با مخاطب خود در میان گذاشته است؛ برای نمونه، در یکی از یادداشت‌های سرنی درباره داستان آمده است: «این قصه را در اوایل پاییز ۱۹۶۱ در کتابی درسی خواندم و با وجود فحص و سؤال از معلم ایتالیایی، مأخذ آن را در خارج از کتاب درسی نیافتم. در آخرین سفر به رم، یک دوست ایتالیایی، از ایران‌شناسان جوان، مقاله‌ای شامل بحث در این قصه و بعضی قصه‌های عامیانه ایتالیایی مشابه به من داد که متضمن مأخذ این قصه هم بود. متأسفانه در دستبرد شبانه‌ای که در این اواخر، در مدرسه به دفتر کارم زده شد، این مقاله با مقداری از اوراق و اسناد و نسخه‌های نشرنشده پاره‌ای کارهای من، یغما یا مفقود شد» (زرین کوب، ۱۳۹۸: ۱۶/۲).

همچنین تقدم فعل بر سایر اجزای جمله در کتاب شعر بی‌دروغ، شعر بی‌نقاب، شواهد قابل توجهی دارد؛ برای نمونه: «برج عاج، تعبیری است مأخوذ از غزل‌های سلیمان در عهد عتیق. در نزد منتقدان، کنایه است از وضعی که می‌گویند بعضی هنرمندان دارند و در انزوای خویش از توجه به احوال و سرنوشت مردم غافل می‌مانند. در فرانسه، اول‌بار ظاهراً سنت‌بوو^۱ این عبارت را در نقد شعر به کار برد، به مناسبت صحبت از آلفرد دو

وینی^۱ (زرّین کوب، ۱۳۸۸: ۲۵۱). یادداشت‌های این کتاب، به فراخور متن اصلی که به شیوه گفتاری بوده، حالت گفتاری و غیررسمی به خود گرفته است. همچنین وجه غالب افعال نویسنده در یادداشت‌های تمامی آثار خود، از نوع ماضی نقلی (بوده است، شده است، گفته است، گفته‌اند و...) است.

۲-۳-۲. به کارگیری فراوان مترادفات و بدل‌ها

نویسنده، علاوه بر متن اصلی، در یادداشت‌ها نیز از مترادفات متعدّد و بدل‌های تفسیری گوناگون برای تثبیت و تأکید بیشتر مطالب در ذهن مخاطب استفاده کرده است؛ به عبارت دیگر، کاربرد مترادفات متعدّدی چون قراین و شواهد، دلایل و شواهد، تدقیق و تفصیل، تلافی و جبران و ردّ و نقض و بدل‌ها در نثر زرّین کوب، علاوه بر آنکه غالباً نمودار تأیید و تأکید نویسنده بر مطلب است، به منظور ارائه تصویری پرنرنگی از توصیفات مدنظر نویسنده نیز بوده است. نمونه‌ای از مترادفات و بدل‌های تفسیری در یادداشت‌ها، به ترتیب در نمونه‌های زیر ارائه شده است:

– مترادفات: «در شعر حافظ هم ایطاء بالنسبه فراوان است و با آنکه شاعر به تهذیب و اصلاح کلام خویش توجه و علاقه خاص نشان می‌دهد، ظاهراً از ارتکاب ایطاء ابایی ندارد» (زرّین کوب، ۱۳۹۴: ۲۲۸).

– بدل‌های تفسیری: «معرفت در معنی گنوسی در نزد قوم، موهبت الهی و در عین حال، مایه نجات است. در نظر گنوسی‌ها علم هرگاه منجر به نجات نگردد، اهمیت ندارد و همین قول به آنکه غایت معرفت نجات است، حاکی از آن است که حیات و تعلق به عالم جسمانی در نزد گنوسیه خیر نیست و برای نیل به خیر باید از آنچه شر است، اجتناب کرد. این معنی، مستلزم قول به ثنویت می‌شود و از این حیث، با وجود تفاوتی که در دو جهان‌بینی هست، با عقاید و مذاهب باستانی ثنویّه ایرانی ارتباط پیدا می‌کند» (زرّین-کوب، ۱۳۹۸، ج ۲: ۸۶۵).

۲-۳-۳. تودرتویی مطالب و ورود اطلاعات فرعی در میانه مباحث اصلی

تودرتویی مطالب و عطف متوالی جملات، استفاده از جملات معترضه و ورود اطلاعات فرعی، تجزیه و تحلیل مطالب و استنادات و ارجاعات گوناگون در میانه مباحث اصلی یادداشت‌های توضیحی که حاکی از وسعت اطلاعات و محفوظات زرین کوب است، یکی از ویژگی‌های اصلی غالب یادداشت‌های توضیحی به شمار می‌آید. در این یادداشت‌ها، هدف نویسنده، تنها بیان یک مطلب نیست؛ بلکه وی به موازات موضوع اصلی، مطالب و موضوعات دیگری را نیز به مخاطب ارائه می‌کند. این یادداشت‌های توضیحی که به دلیل تودرتویی مطالب، عنوان یادداشت‌های ترکیبی برای آن‌ها به کار می‌رود، گاه از حد یک صفحه هم درمی‌گذرد و چند صفحه از یادداشت‌ها را به خود اختصاص می‌دهد؛ برای نمونه، نویسنده در یادداشت ترکیبی زیر، به بررسی سابقه لفظ دین در استعمال لغوی و ارائه اطلاعات گوناگون درباره آن پرداخته است:

- ارائه اقوال ابن عربی و ابوالعلاء المعری درباره سابقه لفظ دین در استعمال لغوی.
- ارائه آیه‌ای از قرآن و عبارتی عربی از شیخ طوسی، درباره مفهوم حنیف در قرآن کریم.

- توضیحی درباره عقاید قدما و اهل تفسیر درباره سابقه لفظ دین.
- ارائه دیدگاهی درباره لفظ دین، مبنی بر آنکه دین، متضمن معنی جزا به نظر می‌رسد.

- توضیحاتی درباره آیاتی که محققان به موجب آن‌ها، دین را در مفهوم طاعت گرفته‌اند.

- بررسی استنادی انعکاس اعتقاد عامه مسلمین در باب ادیان مختلف در مفهوم آن در روایات اهل تفسیر (زرین کوب، ۱۳۹۰: ۴۹۹).

۳-۴. تشکیک و پرهیز از اظهار نظر قطعی درباره مسائل مورد تردید

نسبت‌گرایی و اجتناب از اظهار نظر قطعی درباره مسائلی که نویسنده به اطمینان مد نظر خود دست نیافته است، یکی دیگر از ویژگی‌های یادداشت‌ها محسوب می‌شود؛

گویی زرّین کوب به این گفتهٔ بارت^۱ اطمینان داشته که «عدم قطعیت، یکی از مشخصه‌های ادبیات پست‌مدرن است که به معنای اقتدارزدایی نویسنده و مؤلف نیز هست. در ادبیات کلاسیک و پیشامدرن، قدرت اول به مؤلف تعلق داشت و نویسنده چون خدایی قاهر و فرمانروا، بر اثر خود و معنای آن اقتدار قاطع داشت؛ اما در ادبیات پست‌مدرن و حتّی گاهی ادبیات مدرن، دیگر نویسنده و مؤلف، قدرت مطلق خود را از دست داد و در عوض، خواننده، جایگاه او را در برداشت آزاد و حاکمیت بر جریان معنازایی متن، تسخیر کرد» (خسروی شکیب و یاراحمدی، ۱۳۹۱: ۶۹).

زرّین کوب در موارد فراوانی، از قیود شک و تردید و عباراتی که نشانگر تردید و گمانه‌زنی وی هستند، استفاده می‌کند یا آنکه با استفاده از تعبیری چون «نقل شده است، می‌گویند و پنداشته‌اند»، به مخاطب اعلام می‌دارد که این دیدگاه از دیگران است و خود در این باره به قطعیت نرسیده است. قیود و عبارات مبنی بر شک و تردید نویسنده، عبارت‌اند از: «ظاهراً، شاید، ممکن است، به احتمال قوی، باید با تردید و احتیاط تلقّی کرد، صحتّ این تصوّر محلّ تردید است، به ضرر قاطع نمی‌توان اظهار نظر کرد». در مواردی هم که برخی دیدگاه‌ها مورد پذیرش نویسنده نباشند و دربارهٔ آن‌ها تردید بیشتری روا بدارد، از تعبیری چون «قابل تصدیق نشان نمی‌دهد، نیاز به اصلاح و تکمیل دارد، این دیدگاه فاقد ارزش است» و موارد مشابه دیگر استفاده می‌کند. برای نمونه، در یادداشتی از کتاب *ارزش میراث صوفیه آمده است*: «به موجب حالات و سخنان ابوسعید، بیشتر اشعاری که شیخ بر منبر می‌خوانده است، از دیگران، خاصّه پیر ابوالقاسم بشر بوده است. در *اسرار التوحید* هم گفته شده است که شیخ را پروای تفکر در بیت نبود، جز بیتی که بر پشت رقعۀ درویشی - نامش حمزه التراب - نوشت. این روایات البته محلّ تردید است و ظاهر آن است که همه را به قصد تنزیه و تبرئهٔ شیخ از اشتغال به شعر و شاعری ساخته‌اند و گویی این را دون شأن شیخ می‌شمرده‌اند» (زرّین کوب، ۱۳۸۷: ۲۶۶).

همچنین استفاده از تعبیری چون «می گوید، خاطر نشان می کند، از... برمی آید، نشان می دهد که، برخی پنداشته اند، به موجب قول، به موجب بعضی قراین، منقول است که، تحقیقات نشان می دهد که، از مجموع شواهد و قراین برمی آید که» در یادداشت ها، حاکی از استفاده نویسنده از آثار و اقوال و دیدگاه های محققان ایرانی و غیر ایرانی است. در این موارد، نویسنده غالباً با عباراتی چون «اثر... کامل است، کتاب محققانه، دیدگاه های... در این باره مجمل و ناقص است، قبول ادعای... مشکل است، نمی توان دعوی... را مقبول شمرد» و موارد مشابه دیگر، به بررسی و تصدیق یا رد و نقد دیدگاه ها می پردازد. به طور کلی، در بسیاری از جملات یادداشت ها می توان دریافت که یک منبع یا نظریه تا چه اندازه مورد تأیید یا انکار زرین کوب بوده است؛ برای نمونه: «قول کسانی که عنوان فقیر را از نام سریانی یک عدّه از راهبان دوره گرد مأخوذ می دانند، به نظر مقبول نمی آید. قدیمی ترین اشاره به یک همچو فرقه سریانی، در روایات مربوط به قرن ششم مسیحی آمده است؛ در صورتی که فقرای مانوی و بودایی از مدت ها پیش از آن، در ایران و بین النهرین وجود داشته اند» (زرین کوب، ۱۳۹۶: ۴۲۰).

۲-۳-۵. پیشنهاد موضوع تحقیق و پژوهش

مخاطب با دقت در شیوه بیان بسیاری از یادداشت های زرین کوب می تواند دریابد که نویسنده در یادداشت، به مخاطب خود اعلام می دارد در باب چه موضوعاتی جای پژوهش وجود دارد و به او موضوع تحقیق می دهد؛ برای نمونه، وی در یکی از یادداشت های دنباله جست و جو در تصوف ایران، پس از بررسی و معرفی اجمالی تحقیقات انجام شده در زمینه سرمد کاشانی، خاطر نشان می کند که در باب او هنوز جای یک تحقیق علمی باقی است: «منابع احوال سرمد، غیر از ریاض العارفین، مرآت الخیال، تذکره نصرآبادی، تذکره آتشکده و مآثر الامرا است. در باب سرمد هنوز جای یک تحقیق علمی باقی است» (زرین کوب، ۱۳۹۶: ۳۵۴).

۲-۳-۶. شیوه تبیین مستندات در یادداشت ها

گرایش زرّین کوب به ذکر مستندات فراوان (ابیات فارسی / عربی، آیات قرآن، احادیث و مأثورات، عبارات فارسی و عربی و قصص و روایات و حکایات) در یادداشت‌های آثار، یکی دیگر از ویژگی‌های مهم در یادداشت‌های استنادی و ترکیبی محسوب می‌شود. دربارهٔ مستندات در یادداشت‌های ترکیبی باید گفت با وجود آنکه در بسیاری از این یادداشت‌ها بین مبتدا و خبر، فاصلهٔ زیادی افتاده است، نویسنده غالباً استنادات و استدلال‌ات متعدّد خود را به گونه‌ای در نسج عبارات جای می‌دهد که نمی‌توان آن‌ها را بی آنکه خللی به معنی وارد آید، از بافت کلام برداشت؛ بلکه معمولاً آن‌ها را به طریق متمیم که فنی‌ترین و اصولی‌ترین نوع تضمین است، به کار می‌برد و بیان قسمتی از مفهوم عبارت یا تکمیل و اتمام آن را به عبارت استنادی خود وامی‌گذارد و در مواردی معدود، استنادات خود را به طریق نقل قول که ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین نوع تضمین است، به کار می‌برد؛ برای نمونه، در متن اصلی بحر در کوزه (زرّین کوب، ۱۳۹۳: ۲۸۳) به عنوان «ملک ضلیل» اشاره شده است. نویسنده در یادداشت‌ها به شیوهٔ متمیم و برای تکمیل توضیحات خود، عبارت استنادی را در میانهٔ توضیحات گنجانده و گفته است: «عنوان الملك الضلیل در باب امرؤالقیس مأخوذ از اشارت منسوب به کلام امام است در نهج البلاغه: و سئل علیه السلام عن اشعر الشعراء فقال ان القوم لم یجروا فی حلبه تعرف الغایه عند قصبته فان کان و لابد فالملك الضلیل یرید امرؤالقیس؛ نهج البلاغه، ترجمه و شرح فیض الاسلام؛ برای تفصیل بیشتر در این باب و آنچه از قول امیر مؤمنان و نیز از گفتار رسول خدا دربارهٔ امرؤالقیس و مآل کار او نقل است، رک: ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه و مجرد این اقوال نشان می‌دهد که روایت عزلت و زهد و نصرانی شدن امرؤالقیس در آن ایام، مطلقاً شهرت نداشته است» (همان: ۴۹۰ و ۴۹۱)

۲-۳-۷. شیوهٔ آغاز مطالب در یادداشت‌هایی که مکمل یا ناقص متن اصلی‌اند

یادداشت‌های توضیحی در آثار نویسنده، چنان که گفته شد، اقسام گوناگونی دارد که شیوهٔ تبیین خاص خود را دارند. بدین منظور، یادداشت‌هایی که مکمل یا دنبالهٔ

مطالب متن اصلی هستند و بدون توجه به متن اصلی، استقلال معنایی ندارند، با «واو عطف» یا تعابیری چون «از جمله، چنان که، اگرچه، باید افزود که، مثلاً، برای نمونه و مراد از» آغاز می‌شوند؛ برای مثال، در متن اصلی پیرگنجه در جست‌وجوی ناکجاآباد (زرین کوب، ۱۳۹۵: ۲۱۹)، به قدرت تصویرپردازی نظامی و قدرت ایجاز بیانش در ارائه طرحی صریح و سریع و زنده در توصیف مناظر و احوال اشاره شده است. در بخش یادداشت‌ها آمده است: «از آن جمله است موارد ذیل: وصف سفره در خسرو و شیرین، توصیف شب در همان داستان، توصیف زلزله در اقبال‌نامه، وصف آتش در شرف‌نامه، وصف میوه در اقبال‌نامه که نظایر بسیار در سراسر خمسه دارد» (همان: ۳۱۷).

همچنین یادداشت‌هایی که ناقض مطالب متن اصلی هستند و نویسنده در آن‌ها به اظهار تردید یا نقض مطالب مذکور در متن اصلی پرداخته است، غالباً با تعابیری چون «مشکل است تصور کرد که، طرفه‌تر آن است که، محتاج تصحیح و تعدیل است، جای تردید است» و مواردی که به نوعی بیانگر اظهار تردید و گمانه‌زنی درباره‌ی مطلب مذکور در متن اصلی بوده، آغاز شده‌اند؛ برای نمونه، در متن اصلی دیدار با کعبه‌ی جان (زرین کوب، ۱۳۸۳: ۵۲) آمده است: «شروان به همت تو چو بغداد و مصر بینم/ زان نیل و دجله پیش کفت فرغری ندارم. اشارتی که در این موضع به شروان می‌شود، ممکن است مراد از آن، تلمیحی به کمک و اعانت گیورگی سوم در نجات و رهایی قلمرو اخستان باشد؛ بنابراین، می‌توان تصور کرد که این قصیده در هنگامی که هنوز شاهزاده بوزنطیا گرجستان را ترک نکرده بود، در ستایش آندرونیکوس و گیورگی، هر دو سروده شده است»؛ حال آنکه در یادداشت همین مطلب آمده است: «از نظر اشارات متعددی که به روم و قیصر و غیره در این قصیده وجود دارد، مشکل است تصور کرد که فقط خطاب به گیورگی باشد» (همان: ۵۶).

۲-۳-۸. شیوه بیان در بررسی‌های تطبیقی

اهتمام نویسنده به پژوهش و دقت و وسواس علمی و دل‌بستگی به بررسی تطبیقی و مقایسه دیدگاه‌های محققان ایرانی با یکدیگر یا با محققان غیرایرانی، در موارد بسیاری

از یادداشت‌ها به خوبی مشهود است. این یادداشت‌ها که مبین جامعیت اندیشه و حضور ذهن بی‌مانند نویسنده است، غالباً با تعبیری چون «قول... در باب... یادآور قول... است، جالب آن است که نظیر... در کلام... هم آمده است، این روایت را... به گونه دیگر آورده است، عجب آنکه... می‌گوید، ... مؤید قولی از... است، مقایسه شود با» و موارد مشابه دیگر آغاز می‌شود؛ برای مثال:

– «غالب مورّخین و تذکره‌نویسان، اولین شعر فارسی را به بهرام گور، پادشاه ساسانی نسبت داده‌اند. شعری که از وی روایت کرده‌اند و به اختلاف نقل نموده‌اند، این است: منم آن شیر دمان و منم آن ببر یله / نام من بهرام گور و کنیتم بوجبله. دولتشاه که از دلارام چنگی، محبوبه او نام می‌برد، گفته است مصراع ثانی را وی در جواب بهرام و بدین شکل سروده: نام بهرام تو را و پدرت بوجبله. قبل از دولتشاه، این روایت را ثعالبی در غرر اخبار ملوک الفرس و عوفی در لباب‌الالباب نقل کرده‌اند. این خرداده نیز در المسالک و الممالک آن را بدین شکل آورده: منم شیر شلنبه و منم ببر تله. عجب آنکه عوفی از دیوان عربی بهرام نیز یاد کرده است و ادعا می‌کند که در کتابخانه بازارچه سرپل بخارا آن را دیده است و مسعودی نیز در مروج‌الدّهب گوید بهرام، شعر عربی و فارسی زیاد دارد...» (زرّین کوب، ۱۳۸۹: ۲۵۹).

۲-۳-۹. طرح پرسش در میانه یادداشت‌های توضیحی

طرح پرسش در میانه یادداشت‌های توضیحی، یکی دیگر از ویژگی‌های زبانی یادداشت‌های زرّین کوب به شمار می‌آید. هدف از طرح این پرسش‌ها، به طور کلی، تأکید بیشتر نویسنده بر مطالب است؛ چنان‌که شعبانی نیز به نقل از قدمای یونانی گفته است، اینترنت و گاتیو که به پرسش بلاغی مشهور شده، پرسشی است که پاسخ نمی‌خواهد و بیانگر حقیقتی انکارناپذیر است (شعبانی، ۱۴۰۰: ۴۶). می‌توان گفت این ویژگی نیز در یادداشت‌های زرّین کوب، گونه‌ای پرسش بلاغی یا اینترنت و گاتیو محسوب می‌شود. همچنین در خلال برخی از این پرسش‌های بلاغی، پاره‌ای از نکات مدنظر نویسنده گنجانده شده است. هدف کلی پرسش‌های بلاغی در یادداشت‌ها عبارت است از:

- پرسش برای اظهار تردید درباره موضوعاتی که نویسنده در باب آن‌ها به قطعیت نرسیده است؛ برای نمونه: «این بیت که شاعر در طی آن می‌گوید: همی‌گفتم که خاقانی در یغاگوی من باشد/ در یغا من شدم آخر در یغاگوی خاقانی، با توجه به آنکه تولد نظامی حدود ۵۳۵ و تولد خاقانی حدود ۵۲۰ بوده است و لاجرم نظامی پانزده سالی جوان‌تر از خاقانی بوده است، انتظار گوینده را که خاقانی در یغاگوی او باشد در حدّ عادت، غیر معقول می‌سازد؛ خاصه که نظامی شکایتی جدی هم از بیماری و ناتوانی و نالانی خویش ندارد. آیا شعر گوینده دیگری است که تذکره‌نویسان از روی بی‌دقتی به نظامی منسوب کرده‌اند؟» (زرین کوب، ۱۳۹۵: ۳۱۷ و ۳۱۸).

- پرسش به منظور برانگیختن توجه مخاطب و تأکید بر مطلب و تأثیر بیشتر آن بر خواننده؛ برای نمونه: «آیا در کائنات شعر هم مثل طبیعت می‌توان عوامل و اسباب مؤثر در انواع را تحدید کرد و تعیین؟» (زرین کوب، ۱۳۸۸: ۲۷۲).

۲-۳-۱۰. واژگان لاتین در یادداشت‌ها

نویسنده در متن اصلی و یادداشت‌های آثار خود غالباً به ذکر صورت لاتین اسامی و اصطلاحات و تعبيرات خاص، چون نام کتاب‌ها، اشخاص و اسامی مکان‌ها می‌پردازد. در موارد بسیاری نیز نویسنده، برای راحتی مخاطبان، در کنار عنوان لاتین اسامی، به ترجمه آن‌ها نیز پرداخته است؛ برای مثال:

- «مثل سان‌خوان دلاکروز SAN JUAN DE LA CRUZ، عارف مشهور اسپانیایی که چیزی نظیر تجربه عرفانی شب حافظ را در قطعه معروف موسوم به در یک شب تیره EN UNA NOCHE OSCURA توصیف می‌کند» (زرین کوب، ۱۳۹۴: ۲۳۵).

۲-۳-۱۱. واژگان عربی در یادداشت‌ها

یکی از ویژگی‌های نثر نویسنده، در متن اصلی و یادداشت‌ها، استفاده از اصطلاحات عربی است. گرچه نویسنده در گزینش این اصطلاحات در یادداشت‌ها، به حفظ سادگی اسلوب متن توجه داشته و حدّ اعتدال را در آن رعایت کرده است، به گونه‌ای که می‌توان معانی این اصطلاحات و ترکیبات را در بافت جمله‌ها دریافت، در برخی موارد ممکن

است این ویژگی برای خوانندگان غیرحرفه‌ای و ناآشنا با آثار نویسنده، متکلف باشد. از جمله اصطلاحات و تعابیر پر کاربرد عربی در یادداشت‌های زرّین کوب عبارت است از: مع ذلك، مع هذا، بالنسبه، فی المثل، تفصیل، در باب، سابق الذکر، اشارت، مذکور، محتمل، فحوا، اقوال، مأخوذ و... برای نمونه: «مع هذا بر خلاف پندار استاد همایی، این خبر منحصر به شهرزوری نیست» (زرّین کوب، ۱۳۹۶: ۲۲۴) یا «مقایسه شود با المنقذ سابق الذکر که در آن اشارت می‌کند به منامات صالحان که این حرکت را منشأ خیر می‌شمردند» (همان: ۲۳۰) و موارد بسیار دیگر.

۲-۳-۱۲. استفاده ویژه از برخی قیود و علائم اختصاری در یادداشت‌ها

زرّین کوب در یادداشت‌ها، از قیودی چون «مع هذا، مع ذلك، خاصه، به ویژه، البته، ظاهراً، مخصوصاً، شاید، غالباً، در واقع، چنان که، به علاوه، گه گاه» و امثال این موارد و همچنین از علائم اختصاری «نک و رک» بسیار استفاده کرده است. قیود مذکور در موارد بسیاری، در اثبات و تحکیم و القای خاصیت اقناعی جملات و نظریه‌های نویسنده مؤثر بوده و در مواردی نیز بیانگر نسبیّت گرایي و پرهیز از اظهار نظر قطعی مؤلف درباره مسائل مورد تردید بوده است؛ بنابراین، به عقیده نویسندگان، قیود زرّین کوب در غالب موارد، بار معنایی خاصی دارند و به جنبه اقناعی و استدلالی مطالب یا نسبیّت گرایي در تبیین دیدگاه‌ها یاری رسانده‌اند؛ برای نمونه، به یک مورد از یادداشت‌های زرّین کوب که قیود، حامل جنبه نسبیّت گرایي و اثبات مطالب بوده‌اند، اشاره می‌شود:

«در باب اقبال لاهوری و ارتباط وی با مولانا و افکار و آثار او باید به این نکته اشارت کرد که وی در غالب آثار خویش، رومی را به مثابه مرشد و استاد و هادی خویش تلقی می‌کند و ظاهراً این علاقه و اعتقاد که نشانش در مثنویات اقبال و سایر آثارش نیز هویداست، غیر از مطالعه در مثنوی و دیوان کبیر، تا حدی متأثر از تقریر شبلی نعمانی باشد در رساله وی به نام سوانح رومی. جالب آن است که در حقّ گونه^۱ هم اظهار علاقه‌اش تا حدی است که او را با رومی می‌سنجد و در پیام مشرق و آثار دیگر، از وی

الهام می‌گیرد. کسروی هم با داعیه تحقیق که داشت، برای ردّ و نفی مثنوی ظاهراً فقط همین یک بیت را کافی می‌دانست: خلق عالم از کهنین و از مهین / لعنت الله علیهم اجمعین که البته از مثنوی نیست و تازه، مضمون آن مأخوذ از فحوای حدیثی است در الزام زهد که امثال ابوطالب مگّی و امام غزالی آن را مکرّر نقل کرده‌اند» (زرّین کوب، ۱۳۹۸: ۸۹۹/۲).

۳. نتیجه‌گیری

عبدالحسین زرّین کوب به برکت ژرف‌بینی و دانش گسترده خود و به منظور رعایت انسجام متن اصلی و ارائه توضیحاتی افزون بر متن اصلی آثارش، مخاطب را به بخش یادداشت‌ها ارجاع می‌دهد تا در ضمن یادداشت‌های چهارگانه توضیحی، استنادی، ارجاعی و ترکیبی، نکات و مطالب سودمند و متنوعی به وی ارائه کند. ارائه بسیاری از این توضیحات و اطلاعات به این دلیل است که نویسنده، با سرانگشت تدبیر خود، بسیاری از مشکلات و نکات متن اصلی را برای مخاطب آسان‌سازی و بنابراین، می‌توان گفت زرّین کوب از محدود محققانی است که در یادداشت‌نویسی بر آثار خود، بسیار اصولی و موفق عمل کرده است؛ به گونه‌ای که بخش یادداشت‌های آثارش، خصوصاً در کتاب‌های سرّنی، بحر در کوزه، نقد ادبی، جست‌وجو در تصوّف ایران، دنباله جست‌وجو در تصوّف ایران و در قلمرو وجدان، بر گستردگی و غنای آثار او افزوده است. در این نوشته کوشیدیم خصایص زبانی - بلاغی یادداشت‌های متنوع زرّین کوب را در تمامی آثارش، در ضمن دوازده مورد کلی (شیوه تبیین مطالب در یادداشت‌های توضیحی، کاربرد مترادفات و بدل‌ها، تودرتویی مطالب و ارائه اطلاعات فرعی در میان مباحث اصلی، پرهیز از اظهارنظر قطعی درباره مسائل مورد تردید، پیشنهاد موضوع پژوهش، شیوه تبیین مستندات، شیوه آغاز مطالب در یادداشت‌های مکمل یا ناقص متن اصلی، شیوه بیان در بررسی‌های تطبیقی، طرح پرسش در میانه یادداشت‌ها، واژگان لاتین، عربی و قیود پرتکرار در یادداشت‌ها) دسته‌بندی کنیم و در ضمن هر مورد، به بررسی نکات و جزئیات آن‌ها (حسن انتخاب کلمات، استفاده از واژگان هم‌زمانی و

در زمانی، جابه‌جایی‌های ارکانی، جملات معترضه و... همراه با ذکر شواهد پردازیم و به کمک تبیین این خصایص، خواننده را به ارزش و اهمیت یادداشت‌های زرّین کوب آگاه سازیم.

منابع

- افشار، ایرج (۱۴۰۰)، **نادره کاران**، ج ۲، تهران: انتشارات دکتر محمود افشار.
- افشاری، نرجس (۱۳۹۳)، **نقد زرّین**، تهران: سخن.
- پارسی‌نژاد، ایرج (۱۳۹۲)، **زرّین کوب و نقد ادبی**، تهران: سخن.
- خسروی شکیب، محمّد و مریم یاراحمدی (۱۳۹۱)، **گزاره‌های پست‌مدرنیسم در ذهن و زبان فروغ فرخزاد**، فصلنامه مطالعات زبانی و بلاغی، سال ۳، شماره ۵، صص ۶۳-۸۲.
- دهباشی، علی (۱۳۷۶)، **یادگارنامه استاد دکتر عبدالحسین زرّین کوب**، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- راز، عبدالله (۱۳۸۷)، **بررسی و تحلیل آثار ادبی دکتر عبدالحسین زرّین کوب از جهت روش تحقیق**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان.
- رضایی، بتول (۱۳۸۴)، **بررسی و تحلیل آثار ادبی دکتر عبدالحسین زرّین کوب**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا.
- رضایی، محمّد و آرزو نقی‌زاده (۱۳۹۲)، **اصطلاحات بلاغی در تذکرة‌های عصر صفوی**، فصلنامه مطالعات زبانی و بلاغی، سال ۴، شماره ۷، صص ۵۵-۷۴.
- زرّین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۷)، **ارزش میراث صوفیه**، ج ۱۳، تهران: امیرکبیر.
- _____ (۱۳۹۶)، **ارسطو و فنّ شعر**، ج ۱۰، تهران: امیرکبیر.
- _____ (۱۳۷۱)، **از چیزهای دیگر**، ج ۳، تهران: اساطیر.
- _____ (۱۳۹۴)، **از کوچۀ رندان**، ج ۲۰، تهران: سخن.
- _____ (۱۳۹۴)، **با کاروان اندیشه**، ج ۵، تهران: امیرکبیر.
- _____ (۱۳۸۹)، **با کاروان حله**، ج ۱۶، تهران: علمی.
- _____ (۱۳۹۳)، **بحر در کوزه**، ج ۱۵، تهران: علمی.
- _____ (۱۳۹۸)، **پلّه پلّه تا ملاقات خدا**، ج ۳۹، تهران: علمی.
- _____ (۱۳۹۵)، **پیر گنجه در جست‌وجوی ناکجاآباد**، ج ۹، تهران: سخن.

- _____ (۱۳۹۴)، تاریخ در ترازو، چ ۲۲، تهران: امیر کبیر.
- _____ (۱۳۸۳)، تصوّف ایرانی در منظر تاریخی آن، تهران: سخن.
- _____ (۱۳۹۶)، جست‌وجو در تصوّف ایران، چ ۱۴، تهران: امیر کبیر.
- _____ (۱۳۹۱)، حدیث خوش سعدی، چ ۵، تهران: سخن.
- _____ (۱۳۸۹)، حکایت همچنان باقی، چ ۴، تهران: سخن.
- _____ (۱۳۹۰)، در قلمرو وجدان، چ ۴، تهران: سروش.
- _____ (۱۳۸۹)، دفتر ایام، چ ۷، تهران: علمی.
- _____ (۱۳۹۶)، دنباله جست‌وجو در تصوّف ایران، چ ۱۱، تهران: امیر کبیر.
- _____ (۱۳۹۸)، دو قرن سکوت، چ ۳۱، تهران: سخن.
- _____ (۱۳۸۳)، دیدار با کعبه جان، چ ۳، تهران: سخن.
- _____ (۱۳۹۸)، سرّ نی، چ ۳، تهران: علمی.
- _____ (۱۳۹۳)، سیری در شعر فارسی، چ ۵، تهران: سخن.
- _____ (۱۳۸۸)، شعر بی دروغ شعر بی نقاب، چ ۱۰، تهران: علمی.
- _____ (۱۳۹۶)، فرار از مدرسه، چ ۱۴، تهران: امیر کبیر.
- _____ (۱۳۹۷)، کارنامه اسلام، چ ۲۵، تهران: امیر کبیر.
- _____ (۱۳۹۴)، نردبان شکسته، چ ۵، تهران: سخن.
- _____ (۱۳۶۱)، نقد ادبی، چ ۳، تهران: امیر کبیر.
- _____ (۱۳۹۵)، نقش بر آب، چ ۷، تهران: سخن.
- _____ (۱۳۸۸)، نه شرقی نه غربی انسانی، چ ۶، تهران: امیر کبیر.
- _____ (۱۳۷۱)، یادداشت‌ها و اندیشه‌ها، چ ۴، تهران: اساطیر.
- _____ شعبانی، محمدرضا (۱۳۹۹)، جهانی در خلوت تنهایی، تهران: زوآر.
- _____ (۱۴۰۰)، زرّین کوب و ادب فارسی، تهران: زوآر.
- _____ شیخ، محمد و یعقوب فولادی (۱۳۹۶)، تحلیلی بر سبک نگارش باستانی پاریزی در پانویس‌هایش، مجله سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، سال ۱۰، شماره ۲، صص ۱۵۷-۱۷۳.
- _____ فتوحی، محمود (۱۳۹۶)، آیین نگارش مقاله پژوهشی، چ ۱۶، تهران: سخن.
- _____ محمدخانی، علی اصغر (۱۳۸۴)، درخت معرفت، چ ۳، تهران: سخن.

تحلیل زبانی و بلاغی سبک تکارش عبدالحسین زرّین کوب در یادداشت‌های آثارش — ۳۱

- هاشمی‌پور، سیدمرتضی (۱۳۹۵)، بررسی و تحلیل آثار عرفانی دکتر عبدالحسین زرّین کوب، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه سمنان.

